«ایران» در گفت‌وگو با مهران کامروا، استاد و مدیر مرکز مطالعات دانشگاه جورج‌تاون قطر، رویکرد کشورهای عربی درباره جنگ اخیر را بررسی کرد

چند صدایی اعراب در برابر ایران

گفت و گو

فاطمه غریبی / گروه دیپلماسی- کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در تحولات امنیتی منطقه به دلیل همجواری با ایران، میزبانی از پایگاه‌های نظامی آمریکا و نیز ایفای نقش میانجی در مقاطعی از تنش میان تهران و واشنگتن بازیگرانی تعیین‌کننده به شمار می‌روند. از همین رو، «ایران» در گفت‌وگو با مهران کامروا، استاد و مدیر مرکز مطالعات بین‌المللی و منطقه‌ای دانشگاه جورج‌تاون قطر، رویکرد این کشورها به جنگ جاری میان ایران و آمریکا را بررسی کرده است. کامروا معتقد است، دولت‌های عربی از یک‌سو نگران پیامدهای اقتصادی و امنیتی گسترش جنگ هستند، اما از سوی دیگر، برخی از آنها تضعیف توان نظامی و بازدارندگی ایران را به سود موازنه قدرت منطقه‌ای ارزیابی می‌کنند. به گفته او، سیاست این کشورها بر دو محور استوار است: مهار بحران و جلوگیری از گسترش درگیری و همزمان بهره‌برداری از شرایط برای کاهش تهدیدات ادراک‌شده از سوی ایران. او همچنین درباره امارات می‌گوید، ابوظبی در این منازعه موضعی کاملاً بی‌طرفانه ندارد و ممکن است تضعیف موقعیت نظامی ایران را فرصتی برای تقویت موضع خود در پرونده جزایر سه‌گانه و افزایش قدرت چانه‌زنی در این موضوع تلقی کند.

آیا رویکرد کشورهای عربی در قبال ایران در جنگ جاری نسبت به جنگ ۴۰ روزه دستخوش تغییر شده است؟

به نظر من، در جنگ جاری رویکرد کلی کشورهای عربی نسبت به ایران تغییر نکرده است. برخی معتقدند این جنگ باعث شده کشورهای عربی اعتماد خود را به ایران از دست بدهند و مشروعیتی که ایران در میان آنها داشت، کاهش یابد. اما به اعتقاد من، اساساً چنین اعتمادی هیچ‌گاه وجود نداشت. بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس همواره با نگاهی بدبینانه به ایران نگریسته‌اند و نسبت به اهداف و سیاست‌های تهران تردید و سوءظن داشته‌اند. آنچه حالا تغییر کرده، درک این کشورها از ماهیت بازدارندگی ایران است.

آنها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که تهران برای ایجاد بازدارندگی صرفاً به مواضع سیاسی و تهدیدهای لفظی بسنده نمی‌کند، بلکه در صورت احساس ضرورت، آمادگی بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظامی و موشکی خود را نیز دارد. به بیان دیگر، برداشت غالب در میان این بازیگران این است که ایران علاوه بر برخورداری از توانمندی لازم برای استفاده از این ظرفیت‌ها، از اراده لازم برای به‌کارگیری آنها نیز برخوردار است. در سال‌های گذشته، بخشی از محاسبات برخی کشورها بر این فرض استوار بود که تهدیدهای ایران عمدتاً در چارچوب پیام‌های سیاسی و جنگ روانی و تبلیغاتی قابل ارزیابی است و تهران یا از توان اجرای آن برخوردار نیست یا در شرایط عملیاتی از استفاده این ابزارها پرهیز خواهد کرد. برای نمونه، هنگامی که ایران اعلام می‌کرد در صورت حمله آمریکا، منافع و پایگاه‌های این کشور در منطقه را هدف قرار خواهد داد، این مواضع از سوی برخی ناظران با تردید نگریسته می‌شد. با این حال، تحولات اخیر موجب تغییر این ارزیابی شده و اکنون بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، اظهارات ایران را به عنوان بخشی از محاسبات واقعی امنیتی تهران در نظر می‌گیرند.

آیا این فهم مشترک به رویکرد مشترک در قبال ایران انجامیده یا تفاوت رفتار وجود دارد؟

چندصدایی همچنان در میان کشورهای عربی وجود دارد. هر یک از اعضای شورای همکاری خلیج فارس، در کنار برخی مواضع مشترک، سیاست خارجی مستقل خود را در قبال ایران دنبال می‌کند. عمان همواره از مذاکره حمایت کرده و روابطی نزدیک و دوستانه با ایران داشته است. قطر نیز از گفت‌وگو حمایت می‌کند و تلاش دارد در روندهای دیپلماتیک نقش‌آفرینی کند. البته روابط قطر با ایران، هرچند صمیمانه بوده، اما هیچ‌گاه روابطی عمیق و راهبردی نبوده است. دوحه همواره با نوعی احتیاط و بر پایه بی‌اعتمادی متقابل تلاش کرده روابط خود را با تهران حفظ کند، نه بر مبنای اشتراکات راهبردی یا اهداف بلندمدت مشترک.

در مقابل، کشورهایی مانند بحرین، امارات متحده عربی و عربستان سابقه‌ای طولانی از اختلاف و رقابت با ایران دارند. به نظر من، امارات همچنان موضوع جزایر سه‌گانه را در دستورکار خود دارد.

در حالی که قطر هرگونه مشارکت در جنگ جاری علیه ایران را رد کرده، امارات نسبت به گزارش‌ها و گمانه‌زنی‌ها درباره نقش احتمالی خود در این حملات واکنش روشنی نشان نداده است. این تفاوت در موضع‌گیری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این تفاوت، بازتاب همان رویکردهای متفاوتی است که پیش‌تر به آن اشاره کردم. قطر همواره تلاش کرده در ظاهر روابط گرم و دوستانه با ایران را حفظ کند، اما در عمل ملاحظات امنیتی و راهبردی خود را نیز در نظر داشته است. همان‌طور که می‌دانیم، قطر میزبان یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های نظامی ایالات‌متحده در منطقه است و همواره کوشیده میان روابط خود با تهران و واشنگتن نوعی توازن برقرار کند. قطر در موضوعات مختلف از جمله در ماجرای ترور شهید قاسم سلیمانی نیز نقش‌آفرینی‌هایی داشته است؛ در حالی که در همان مقطع ایران در برخی حوزه‌ها از قطر حمایت می‌کرد. به طور کلی، دوحه تلاش کرده با نگاهی واقع‌گرایانه به تحولات منطقه از یک‌سو روابط خود با ایران را حفظ کند و از سوی دیگر اطمینان حاصل کند که مناسباتش با آمریکا آسیبی نبیند. در مقابل، امارات رویکرد متفاوتی در پیش گرفته است. این کشور طی سال‌های اخیر برخورد سخت‌گیرانه‌تری با ایرانیان مقیم امارات داشته و به باور من، در جریان جنگ نیز در برخی اقدامات علیه ایران مشارکت داشته و حملات پیاپی علیه ایران انجام داده است.

> کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به این جمع‌بندی رسیده‌اند که تهران برای ایجاد بازدارندگی صرفاً به مواضع سیاسی و تهدیدهای لفظی بسنده نمی‌کند، بلکه در صورت احساس ضرورت، آمادگی بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظامی و موشکی خود را نیز دارد

بنابراین می‌توان رد ادعای مشارکت در جنگ از سوی قطر را تلاشی برای حفظ کانال‌های ارتباطی با تهران ارزیابی کرد؟

بله، بدون تردید قطر تلاش می‌کند روابط خود با ایران را حفظ کند. در عین حال، دوحه مایل است همچنان در روند مذاکرات و ابتکارهای دیپلماتیک منطقه‌ای نقش‌آفرین باشد. میانجیگری و میزبانی گفت‌وگوها از ارکان اصلی سیاست خارجی قطر به شمار می‌رود و حتی در بازنگری اخیر قانون اساسی این کشور نیز بر اهمیت میانجیگری به عنوان یکی از ستون‌های سیاست خارجی تأکید شده است. از این رو، قطر تلاش دارد این جایگاه و اعتبار را حفظ کند. در عین حال، باید توجه داشت که گزارش‌های مربوط به مشارکت قطر در جنگ، عمدتاً از سوی منابع اسرائیلی مطرح شده است و از این منظر باید با احتیاط به آنها نگریست. طبیعی است که اسرائیل تمایل داشته باشد میان ایران و کشورهایی که همچنان با تهران در ارتباط هستند یا روابط نسبتاً دوستانه‌ای با آن دارند، شکاف ایجاد کند. بنابراین، این ادعاها را نباید بدون بررسی و راستی‌آزمایی پذیرفت.

اگر گزارش‌ها و داده‌های موجود از نقش‌آفرینی امارات در جنگ حکایت داشته باشد، این رفتار چه تفاوتی با جنگ ۴۰ روزه دارد؟ سکوت رسمی ابوظبی را چگونه باید ارزیابی کرد؟

امارات طی یک تا دو دهه اخیر تلاش کرده است به هر شکل ممکن توجه جامعه جهانی را به موضوع جزایر سه‌گانه جلب کند. این کشور در همین راستا سیاست خارجی فعال و تهاجمی‌تری در پیش گرفته است. امارات نه‌تنها در یمن مداخله نظامی داشته، بلکه در سودان، لیبی و برخی دیگر از کشورهای آفریقایی نیز حضور و فعالیت‌های نظامی قابل توجهی داشته است. ابوظبی تلاش می‌کند از شرایط کنونی برای پیشبرد اهداف خود استفاده و موضوع جزایر سه‌گانه را با قدرت بیشتری دنبال کند و در صورت امکان از ایران امتیاز بگیرد. بر همین اساس، می‌توان گفت امارات در منازعه جاری میان اسرائیل و آمریکا با ایران موضعی کاملاً بی‌طرفانه اتخاذ نکرده است. از این منظر، یکی از محاسبات اصلی ابوظبی آن است که از شرایطی که آن را تضعیف موقعیت نظامی ایران ارزیابی می‌کند، برای تقویت مواضع خود در قبال موضوع جزایر سه‌گانه و افزایش قدرت چانه‌زنی در این پرونده بهره گیرد.

تفاوت رفتار عمان در جنگ ۴۰ روزه با جنگ جاری چیست؟ می‌توان گفت که عمان از یک میانجی فعال به بازیگری با ملاحظات امنیتی بیشتر تبدیل شده است؟

عمان در مقایسه با دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، همواره سیاست خارجی محتاطانه‌تری داشته و در دیپلماسی خود از نگاه تاریخی عمیق‌تری به تحولات منطقه برخوردار بوده است. این کشور تلاش می‌کند پیش از هر اقدامی، مسیر و سرانجام تحولات را ارزیابی و سپس سیاست خارجی خود را بر همان اساس تنظیم کند.

در شرایط کنونی نیز عمان در حال مدیریت همزمان روابط خود با ایران و دیگر کشورهای منطقه بویژه عربستان سعودی است تا اطمینان حاصل کند که روابطش با اعضای شورای همکاری خلیج فارس دچار تنش یا اختلال نشود. به همین دلیل، به نظر می‌رسد مسقط در مقطع کنونی بیش از هر چیز بر حفظ توازن در روابط خود با ایران و کشورهای عربی منطقه تمرکز کرده است. از این منظر، می‌توان گفت عمان همچنان رویکرد سنتی و محتاطانه خود را دنبال می‌کند؛ رویکردی که بر نگاه بلندمدت، حفظ کانال‌های گفت‌وگو و ایجاد توازن میان بازیگران منطقه‌ای استوار است.

با توجه به اینکه بسیاری از کشورهای عربی همزمان در معرض تبعات مستقیم جنگ، تهدید امنیت انرژی و آسیب‌های اقتصادی قرار گرفته‌اند، آیا اولویت آنها امروز مهار بحران و پایان جنگ است یا تضعیف توان بازدارندگی ایران؟

به نظر من، هر دو هدف همزمان دنبال می‌شود. این کشورها از یک‌سو می‌خواهند بحران مهار شود و شرایط به‌گونه‌ای پیش نرود که از کنترل خارج شود و تبعات گسترده‌تری برای امنیت و اقتصاد آنها به همراه داشته باشد. از سوی دیگر، مایل هستند اطمینان حاصل کنند که توان نظامی ایران تا حد امکان کاهش پیدا کرده و ایران در آینده به عنوان یک قدرت هژمونیک منطقه‌ای مطرح نباشد.

در میان برخی کشورهای عربی، روایتی غالب درباره نقش منطقه‌ای ایران وجود دارد و بر این برداشت استوار است که تهران به دنبال تثبیت جایگاه هژمونیک خود در خاورمیانه است؛ برداشتی که پذیرش آن برای بسیاری از این کشورها دشوار بوده و یکی از عوامل شکل‌دهنده نگرانی‌های امنیتی آنها در قبال ایران محسوب می‌شود. حتی زمانی که گفته می‌شود هدف ایران صرفاً حفظ توان بازدارندگی است و نه دستیابی به هژمونی، بسیاری از سیاستمداران و جریان‌های فکری در این کشورها همچنان این برداشت را نمی‌پذیرند و معتقدند ایران به دنبال افزایش نفوذ و برتری منطقه‌ای است.

بنابراین در حالی که کشورهای عربی علاقه‌مند نیستند تبعات یک جنگ گسترده به منافع اقتصادی، تجاری و ثبات منطقه‌ای آنها آسیب وارد کند، از سوی دیگر، برخی از این کشورها ممکن است تضعیف توانمندی‌های نظامی ایران و محدود شدن ظرفیت‌های بازدارندگی تهران را در راستای تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای ارزیابی کنند. بر همین اساس، رویکرد این کشورها را می‌توان ترکیبی از دو ملاحظه دانست: اول، تلاش برای مهار بحران و جلوگیری از گسترش دامنه درگیری و دوم، بهره‌برداری از شرایط موجود برای کاهش سطح تهدیدات ادراک‌شده از سوی ایران.

آگهی فراخوان عمومی
دعوت به مشارکت در ساخت

بهین‌ساز خلیج فارس

شرکت بهین ساز خلیج‌فارس (سهامی عام) به منظور تکمیل پروژه واقع در شهر تهران مطابق مشخصات ذیل و در قالب قرارداد مشارکت از کلیه سرمایه‌گذاران و سازندگان ذیصلاح در صنعت ساختمان دعوت به همکاری می‌نماید.
متقاضیان محترم می‌توانند جهت اعلام آمادگی و دریافت اسناد ارزیابی کیفی و کسب اطلاعات تکمیلی از تاریخ انتشار آگهی با ارائه اصل فیش واریزی به مبلغ ۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به‌شماره حساب ۳۰۱۶۰۳ ۴۷۰۰۰۶۳۴ بانک پارسیان شعبه میدان آرژانتین به‌نام شرکت بهین ساز خلیج‌فارس به دفتر شرکت واقع در تهران، خیابان شهید سید حسن نصرالله، خیابان بیست و یکم، پلاک ۱۴، طبقه دوم به شماره تلفن ۰۲۱۸۸۷۰۰۸۹۰ داخلی ۳۰۱۱ تماس حاصل فرمایند.

شرایط شرکت در فراخوان:
- آخرین مهلت ارائه اسناد تکمیل شده ارزیابی کیفی ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۷ خواهد بود.
- شرکت نسبت به ارزیابی توان فنی، اجرایی، برنامه‌ریزی و مالی متقاضیان محترم اقدام می‌نماید.
- اعلام آمادگی و تکمیل و تحویل اسناد و مدارک ارزیابی کیفی هیچ‌گونه حقی را برای متقاضیان محترم ایجاد نخواهد کرد.
- بر اساس نتایج ارزیابی‌های کیفی، اسناد مرحله دوم شرکت در مناقصه به متقاضیان محترم ارائه خواهد شد.

ردیف	نام پروژه	پلاک ثبتی	مساحت زمین طبق سند (مترمربع)	کاربری	زیربنای کل (مترمربع)	زیربنای مفید (مترمربع)	نشانی
۱	بلوار فردوس	۱۲۴/۲۰۳۳	۹۰۰	مسکونی (R122)	۴،۴۵۲	۳،۱۰۷	منطقه۵، بلوار فردوس، خ ابراهیمی جنوبی، کوچه چهاردهم، پ۱۰

مناقصه عمومی
آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (مرحله دوم)

لاستیک بارز کردستان
با شناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۶۸۹۳۲ و شماره ثبت ۳۶۶۷۱۲ در نظر دارد **کارهای ساختمانی، تأسیسات الکتریکی ومکانیکی تکمیل مدرسه شهرک امین آباد دهگلان شامل فضای آموزشی، اداری، محوطه‌سازی، سرایداری، دیوارمحوطه وسرویس‌های بهداشتی** را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط دارای گواهی‌نامه صلاحیت پایه ۳ در رشته ابنیه، تأسیسات وتجهیزات واگذار نماید.
لذا از کلیه تأمین‌کنندگان و سازندگان واجد شرایط تقاضا می‌شود جهت شرکت در مناقصه عمومی یک مرحله‌ای پاکت‌های "الف" (تضامین)، "ب"(اسناد فنی)، "ج" (پیشنهاد قیمت) را به‌صورت جداگانه حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ ارائه نمایند.
۱. مدت زمان اجرای پروژه ۱۰ ماه می‌باشد.
۲. مدت اعتبار پیشنهادات ۶۰ روز از تاریخ بازگشایی پاکت‌ها می‌باشد.
۳. محل اجرا واقع در استان کردستان شهر دهگلان-شهرک امین‌آباد می‌باشد.
۴. مبلغ سپرده شرکت در مناقصه به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی و به مبلغ ۱۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.
- ضمانت‌نامه بانکی در وجه شرکت لاستیک بارز کردستان (شناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۶۸۹۳۲)
- شماره حساب واریز مبلغ سپرده شرکت در مناقصه بانک ملت شماره حساب ۹۲۰۴۹۳۵۰۳۹ IR ۷۸۰۱۲۰۰۰